

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپایان

سال شانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۴۰۱
صفحه ۱۰۳ تا ۱۲۴

تأثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی (مطالعه موردی روسیه)

علی علیتی پور / دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مهناز نمودرزی / دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول) M.goodarzi@khu.ac.ir

چکیده

این مقاله به تاثیر تحریم‌های آمریکا بر دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال روسیه، به عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه سیاست بین‌المللی خواهد پرداخت. سؤال اصلی مقاله این است که با توجه سیاست‌های تحریمی آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ دیپلماسی اقتصادی ایران و روسیه دارای چه الگویی بوده است؟ براین اساس فرضیه مقاله این است که رویکرد تحریمی غرب و بخصوص آمریکا در قبال ایران باعث گسترش روابط اقتصادی ایران با روسیه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های مبتنی بر تحریم و فشار غرب موجب شده تا سیاست خارجی ایران از ابتدای انقلاب مبتنی بر نگاه به شرق در ابعاد مختلف طراحی شود. این امر در دولت روحانی نیز کمابیش ادامه پیدا کرده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که این سیاست در بعد اقتصادی بیش از آنکه دارای موازنه باشد مبتنی بر وابستگی ایران به واردات اقتصادی، از روسیه بوده است از نظر ژئواکونومیک دو کشور طرح‌های موازنه بخشی بویژه در حوزه انرژی و دریای خزر و اوراسیا در مقابل سیاست‌های غرب به اجرا رسانده‌اند. این مقاله، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از چارچوب مفهومی دیپلماسی اقتصادی در پی پاسخ به سوال اصلی بوده است.

کلیدواژه: تحریم، دیپلماسی اقتصادی، سیاست خارجی، ایران، روسیه

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۴/۳۰ تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

مقدمه

دولت‌های مختلف آمریکا بعد از انقلاب اسلامی تا به امروز تحریم‌های عمده‌ای را بر ایران اعمال کردند. این تحریم‌ها لیست بلند بالایی را تشکیل می‌دهند که اقتصاد ایران، دارایی‌های ایران در خارج و اشخاص و نهادهای رسمی را در برمی‌گیرد (Hatzman, 2019: 1). درجه تاثیرگذاری این تحریم‌ها، بر اقتصاد، سیاست منطقه‌ای و دفاعی ایران در ادوار مختلف، متفاوت بوده است. هدف تغییر رفتار ایران (Hatzman, 2019: 1) و در مواردی تغییر رژیم بوده است. از جمله نمونه‌های متاخر این سیاست، راهبرد فشار حداکثری علیه ایران بوده که با خروج ترامپ از برجام و تلاش برای کشاندن مجدد ایران به پای مذاکره به دنبال تحمیل موافقتنامه‌ای فراگیرتر از برجام که ایران را ملزم به تعهدات دیگر متناسب با درخواست‌های فرا برجامی سران کاخ سفید علیه تهران می‌نمود، است.

تحریم‌ها تاکنون پیامد محدودی بر تعقیب اهداف استراتژیک کلیدی ایران همچون حمایت از متحدان منطقه‌ای و توسعه برنامه موشکی (کروز و بالستیک) داشته است (Hatzman, 2019: 1) با این وجود، توانسته‌اند تاثیر عمده‌ای بر اقتصاد ایران به لحاظ داخلی و رابطه آن با جهان خارج، به ویژه بعد از سال ۲۰۰۸ داشته باشند. به طوری که همه بخش‌های اقتصاد ایران متاثر از فشار تحریم بوده و افت تولید ناخالص داخلی، کاهش صادرات نفت، تراز تجاری منفی، جهش تورم، گسترش بیکاری، کاهش ارزش پول ملی، کسری شدید بودجه و غیره را به دنبال داشته است. برخی از پژوهشگران، جدا از تاثیرات اجتماعی و اقتصادی این تحریم‌ها، به تبعات سوء روانشناختی آن بر جامعه ایران نیز اشاره کرده اند (Khajehpour, 2019: 10-14). از دیگر تاثیرات تحریم‌های گفته شده علیه ایران، اختلال در روند روابط اقتصادی ایران با جهان خارج بوده است. حجم عظیم پول‌های بلوکه شده ایران در روند مبادلات مالی با جهان خارج اختلال جدی ایجاد کرده است. بسیاری از کشورها با توجه به ملاحظه تحریم و فشارهای آمریکا، تمایلی به برقراری یا گسترش روابط اقتصادی با ایران ندارند. بسیاری از سندهای همکاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی به همین دلیل اجرایی نشدند.

در مورد روسیه این فشارها همواره از سوی آمریکا از دهه ۱۹۹۰ بر مسکو پیرامون همکاری‌های سیاسی، نظامی و امنیتی این کشور با ایران وجود داشته است و گاهی منجر به بازبینی مقطعی برخی سیاست‌ها از سوی طرف روسی، اجرایی نشدن برخی تعهدات یا اتخاذ سیاست‌هایی متناسب با منافع آمریکا شده است، که نمونه آنها می‌توان عدم تحویل سامانه

دفاع موشکی اس-۳۰۰ به ایران در موعد مقرر اشاره کرد. قرارداد خرید ۵ سامانه در سال‌های ۲۰۰۷ به امضاء رسید؛ اما واگذاری آن، متأثر از ملاحظات روس‌ها در خصوص تحریم‌های اعمال شده بر ایران و فشارهای آمریکا، سال‌ها به تعویق افتاد. همین مساله نگرانی و انتقادات مداوم مقامات نظامی و سیاسی ایران را در پی داشت. تحریم‌های اعمال شده بر ایران از سوی آمریکا به ویژه از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ تا اندازه‌ای بر ملاحظات روسیه جهت بسط روابط اقتصادی با ایران در ابعاد مختلف تأثیر داشته است. به عنوان مثال، بانک‌های آمریکایی و غربی از شرکای بانکی روس خود گزارش هر مورد ارسال پول بین روسیه و ایران را که توسط شخص حقیقی یا حقوقی روس انجام شده باشد، درخواست کردند. به همین دلیل، تمام نظام بانکی روسیه و از جمله بزرگ‌ترین بانک‌های دولتی نظیر بانک پس‌انداز، بانک وی. تی. بی، گاز پروم و بعضی بانک‌های دیگر، هرگونه فعالیت با ایران یا مرتبط با ایران را از دستور کار خود حذف کردند (روزنامه شرق، ۱۳۹۳/۵/۲: ۲).

قرارداد تهاتر نفت با کالا در سال ۲۰۱۴ نمونه دیگری از فشارهای آمریکا بر متوقف سازی مبادلات اقتصادی با ایران است. بر اساس این قرارداد ایران روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام به روسیه تحویل و در برابر آن از کالاها و خدمات روسی بهره مند می‌شود. با اعلام این خبر در اوت ۲۰۱۴، جک لئو، وزیر خزانه داری آمریکا به سرعت موضع گیری و هشدار داد که انعقاد هرگونه قرارداد نفت در برابر کالا با ایران، خلاف تحریم‌های آمریکاست و افراد و شرکت‌های دخیل در این قرار مورد تحریم قرار خواهند گرفت. هر چند این قرارداد بعدها از سوی مقامات رسمی ایران و روسیه تکذیب شد (جهانبخش و حق پناه، ۱۳۹۴: ۱۹۷). تحریم‌های آمریکا به ویژه تحریم‌هایی که پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ بر صنایع نفت و گاز ایران وضع شد موجب شد همکاری‌های دو کشور ایران و روسیه در حوزه انرژی کاهش داشته باشد. به طور مشخص در سال ۲۰۱۸ با اعلام تحریم شرکت‌های همکار با جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت و گاز، شرکت «زارویش نفت» روسیه که با قراردادی به ارزش ۶۷۴ میلیون دلار در میدین نفتی «آبادان» و «پایدار غرب» فعال بود، از کشور خارج شد. یکی از مقامات این شرکت (در مصاحبه با رویترز) به صراحت تحریم‌های آمریکا را دلیل توقیف پروژه‌ها اعلام و بیان داشت: «باید پروژه‌ها را متوقف کرد؛ زمانی که با تحریم مواجه

¹. Jack Lew

². Zarubezhneft

شویم، منبع تامین ارز خارجی را از دست خواهیم داد» (عصر جهان، ۱۳۹۷). مورد دیگر، پس از خروج دولت ترامپ از برجام و اعمال مجدد تحریم های ثانویه، شرکت روس نفت اعلام کرد که دیگر نمی تواند در بازار نفت و گاز ایران به کارش ادامه دهد. به همین دلیل، وعده سرمایه گذاری ۳۰ میلیارد دلاری در حوزه صنایع نفت و گاز و همکاری با شرکت ملی نفت ایران، جنبه اجرایی به خود نگرفت (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۷). در موارد دیگری نیز، فشار تحریم ها و سیاست آمریکا بر این روند محدود سازی روابط اقتصادی روسیه با ایران تاثیر عمده ای داشته است. ایران جهت کاهش تاثیرات مخرب تحریم ها به اقداماتی در عرصه داخلی همچون تنوع بخشی به صادرات، سیاست جایگزینی واردات، خصوصی سازی برخی شرکت های دولتی در اقتصاد، کاهش یارانه ها (سوپسیدها)، محدودیت های واردات و کنترل ارز (Hatzman, 2019: 64-65) مبادرت ورزید. در عرصه خارجی نیز، دور زدن تحریم ها و تکیه بر دیپلماسی اقتصادی جهت پیشبرد اهداف اقتصادی در دستور کار دستگاه ها و نهادهای دیپلماتیک بوده است. بنابراین مسئله اصلی این مقاله این است که الگوی دیپلماسی اقتصادی ایران و روسیه در دوره مورد نظر چگونه بوده است؟ این تحقیق تلاش دارد تا به سؤال مذکور پاسخ دهد.

پیشینه تحقیق

عبدللال و ایورلی (۲۰۲۰) در «تحریم ها و پایان فرآیند تثبیت» معتقدند تحریم ها ابزار مسلط و اصلی ایالات متحده و اتحادیه اروپا از زمان پایان جنگ سرد بوده است. اما استفاده سیستماتیک از این ابزار پیامدهای غیرقابل پیش بینی و در برخی موارد پارادوکسیکال در پی داشته است. این تحریم های تحمیلی بر ایران و روسیه در حوزه انرژی تا حدود زیادی نماد روشن چنین مسئله ای بوده است. بدین معنی که دو کشور انعطاف پذیری و انطباق خود را در این زمینه نشان دادند.

-بالسترویس میگوئل^۲ در «روابط روسیه با ایران در متن ژئوپلیتیک قرن ۲۱» معتقد است از دهه ۲۰۰۰، با روی کار آمدن پوتین، روسیه از کشورهای غربی فاصله گرفت و در عین حال همکاری خود را با کشورهای غیر غربی مانند ایران افزایش داد. اگرچه روابط روسیه با ایران از نظر تاریخی ناآرام بوده است، اما از اواخر دهه ۱۹۷۰ بهبود یافته است. با این وجود، همکاری

^۱ -Abdelal and Aurelie

^۲ - BALLESTEROS MIGUEL

آنها به اندازه‌ای که رهبران آنها وانمود کرده اند افزایش نیافته است. در میان دلایل این امر، سه مورد زیر برجسته می‌شود: رویکرد عمل‌گرایانه روسیه به سیاست خارجی خود، بی‌اعتمادی متقابل آنها به روابط گذشته و منافع ناسازگار آنها در خاورمیانه. در مجموع، روسیه و ایران دارای منافع مشترک ژئواکونومیکی به ویژه در دریای خزر هستند. با این حال، منافع متضاد آنها در خاورمیانه به آنها اجازه تبدیل شدن به متحدان استراتژیک را نداده است.

کولایی و کاویانی فر (۱۴۰۰) در «تأثیر عوامل بین‌المللی بر روابط اقتصاد ایران و روسیه» می‌نویسند روابط ایران و روسیه در دهه‌های اخیر فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است و اکنون سطح روابط اقتصادی دو طرف با وجود نزدیکی جغرافیایی و زمینه‌های مناسب گسترش چشمگیر نیست. از دید نویسندگان ریشه‌های این امر نخست تأثیر فضای تصمیم‌سازی روابط خارج در روسیه و دوم تأثیر تحریم یا برچیده شدن آن بر روابط اقتصادی ایران و روسیه است. حاجیلو (۱۳۹۶) در «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخته و شکندگی این همکاری را در چارچوب نواقعی‌گرایی بررسی می‌کند. استدلال مقاله این است که طرفداران سیاست نگاه به شرق معتقدند گرایش ایران به سمت شرق و اتحاد با کشورهای قدرتمند آسیایی می‌تواند منافع ملی ایران را تامین و مسئله فقدان متحد استراتژیک را برای ایران حل نماید.

چارچوب مفهومی

بر اساس تعریفی از ارنست ساتو: «دیپلماسی مدرن، کاربرد اطلاعات و کاردانی - مهارت جهت روابط رسمی بین حکومت‌ها و دولت‌های مستقل است» (Saner and Yiu, 2001: 3). در بیان ساتو، تلویحا دیپلماسی حوزه انحصاری وزارتخانه‌های امور خارجه است. دیپلمات‌ها هم، حلقه اتصال میان دولت‌ها، ماموران رسمی برقراری ارتباط، نماینده و نماد کشورها می‌باشند و در حل و فصل بسیاری از موضوعات مورد علاقه طرفین، نقش اساسی دارند. آن‌ها با مشاهده و گزارش توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی کشور میزبان، در واقع همچون چشم و گوش کشورشان عمل می‌کنند (پلینو و آلتون، ۱۳۷۹: ۳۱۹). بخشی از وظایف دیپلمات‌ها، مطالعه و گزارش وضعیت اقتصادی کشور میزبان و شناسایی ظرفیت‌های همکاری و زمینه‌سازی (تسهیل‌گری) برای توسعه روابط اقتصادی است.

¹. Ernest Satow

بعد اقتصادی دیپلماسی در مطالعات آکادمیک علوم اجتماعی، همواره توجه کمی را به خود معطوف کرده است. تنها در چند دهه اخیر است که مفهوم کلیدی دیپلماسی اقتصادی، به عنوان بخشی از فعالیت دیپلماتیک و سیاست خارجی دولت‌ها (با هدف امنیت اقتصادی و رفاه ملی) مورد توجه پژوهشگران، آن هم در پرتو تغییر و تحولات اقتصادی جدید در عرصه بین المللی قرار گرفته است. دیپلماسی اقتصادی پدیده ای جدیدی نیست و ریشه در تماس های منظم بین حکومت های مستقل از همدیگر در جهان باستان دارد (Van Bergeijk and Others, 2011:1). اما در خلال دوره های تاریخی اشکال و ویژگی های مختلفی به خود گرفته است. اگرچه در عمل ریشه ای تاریخی این کنش ها دارد. اما حتی در دوره مدرن نیز، فعالیت های دیپلماتیک بیشتر به مسائل و روابط سیاسی متمرکز بوده است تا موضوعات اقتصادی. به همین دلیل، مطالعات کلاسیک دیپلماسی نیز، کمتر به ابعاد اقتصادی مناسبات دولت ها توجه نموده و در مورد آن نظریه پردازی کرده است. اما در دهه های اخیر، این رویه تغییر کرده است و کتب و مقالاتی زیادی در مورد آن منتشر شده است. همچنین میزان موفقیت دولت های مختلف در عرصه دیپلماسی اقتصادی، مورد بررسی های موشکافانه و انتقادی قرار گرفته است (Okano-Hejmans, 2013). علاوه بر این، پدیده جهانی شدن اقتصاد نیز، ابعاد جدیدی به دیپلماسی اقتصادی اضافه کرده است.

تعاریف مختلفی از دیپلماسی اقتصادی از سوی صاحب نظران ارائه شده است و اتفاق نظر چندانی در این خصوص، مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی وجود ندارد، اما در کل؛ همه فعالیت هایی را که هدفش حمایت و تقویت منافع اقتصادی یک دولت در روابط با سایر دولت ها با استفاده از ابزار سیاسی و دیپلماتیک باشد، می توان در زمره دیپلماسی اقتصادی قرار داد. موریللاس^۱ این تعریف را ارائه داده است: «دیپلماسی اقتصادی؛ استفاده دولت ها از ظرفیت نفوذ سیاسی به نفع منافع اقتصادی شان در بازارهای خارجی است». این مفهوم را نمی توان جایگزینی برای دیپلماسی سیاسی مرسوم در نظر گرفت اما به عنصر جدای ناپذیر آن تبدیل شده است» (Pereira de Sousa, 2019: 7).

به نظر بسام جونی^۲ «دیپلماسی اقتصادی، هنر تامین و خدمت به منافع استراتژیک و امنیت اقتصادی یک ملت از طریق بهره گیری از روابط بین المللی در سطح حکومت ها، بخش

¹. Morillas

². Bassam Jouny

خصوصی و مردم است؛ آن هم با گسترش تجارت بین المللی، تقویت منافع ملی، افزایش رشد اقتصادی، توانمند کردن و بین المللی سازی کمپانی‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط و دستیابی به بازارهای جهانی به منظور افزایش صادرات و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی» (Jouny, 2017: 4).

از منظر نیکلاس باین و استفان وولکاک؛ «دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که بر شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی به ویژه در حوزه به کارگیری فرصت‌ها و مزیت‌های جهانی و کسب سهمی در بازارهای صادراتی برای تولید داخلی تأکید دارد. اولویت یافتن ملاحظات اقتصادی و تقدم منافع ملی با افزایش فعالیت‌های ناظر بر تعاملات دوجانبه و چند جانبه اقتصادی، ارتقای روابط و همکاری با نهادهای مالی جهانی و منطقه‌ای جهت بهره‌گیری از جایگاه آنان در فرآیندهای مذاکرات در راستای دیپلماسی اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند» (باین و وولکاک، ۱۳۸۸: ۵۱).

چارلز چاترجهی^۱ سطح ملی و بین‌المللی دیپلماسی اقتصادی را تفکیک می‌کند و معتقد است: «این دو سطح تاحدی دارای تاکتیک، استراتژی و اهداف متفاوتی هستند. اگر در سطح ملی هدف دیپلماسی اقتصادی رسیدن به ترتیباتی سودمند در روابط اقتصادی دو کشور است؛ در سطح بین‌المللی، هدف توسعه چهارچوبی از ضوابط و مقررات در اشکال کنوانسیون‌های بین‌المللی، قطعنامه یا بیانیه هاست. این چارچوب‌ها به کل جامعه بین‌المللی در روند مبادلات و تعاملات اقتصادی کمک می‌کنند اما در سطح ملی، بیشتر تامین منافع اقتصادی ملی دوجانبه مورد توجه است. علاوه بر این، هدف دیپلماسی اقتصادی در سطح ملی، تنها در ایجاد و حفظ روابط تجاری و اقتصادی بین دو طرف خلاصه نمی‌شود، بلکه به دنبال ظرفیت سازی جهت تقویت بنیادهای تجاری و اقتصادی از جمله زیرساخت‌های یک کشور است، این روند با هسته اصلی دیپلماسی یعنی هنر مذاکره ارتباط دارد و جایی برای قدرت سخت‌آبایی نمی‌گذارد» (Chatterjee, 2020: 1-2).

اوکانو هیجمانس^۳ نیز دیپلماسی اقتصادی را؛ «مربوط به پیوند عمل گرایانه اقتصاد و سیاست در سیاست خارجی می‌داند. به همین دلیل در این چارچوب، طبیعی است که مطالعات

1. Charles Chatterjee

2. Muscle power

3. Okano-Heijmans

عمده در این حوزه بر تحولات عینی مانند مذاکرات تجاری، اجرایی شدن تحریم‌ها و حمایت‌های اعطایی تمرکز دارد. از دید هیجمانس که دیپلماسی اقتصادی ژاپن را در قبال کره شمالی مورد بحث قرار می‌دهد؛ «سیاست‌های ژاپن در قبال کره نشان دهنده این است که انفعال یا پرهیز از توسعه روابط می‌تواند در زمره دیپلماسی اقتصادی قرار بگیرد» (Okano-Heijmans, 2013: 112).

در واقع از منظر این صاحب‌نظران، دیپلماسی اقتصادی مجموعه‌ای از اقدامات هم‌در روش‌ها و هم‌در فرآیندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی است که با فعالیت‌های اقتصادی برون‌مرزی کنشگران دولتی و غیردولتی در نظام بین‌الملل مرتبط است. این فعالیت‌های اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، قرض‌دادن، کمک و اعانه، مهاجرت و غیره می‌شود (ون برژیک، ۱۳۹۴: ۷۹). دیپلماسی اقتصادی در سطح دولت‌دارای سه عنصر؛ ۱- استفاده از روابط سیاسی جهت ارتقاء و اثربخشی سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی دوجانبه، بهبود عملکرد بازارها و کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های معاملات برون‌مرزی، ۲- استفاده از دارایی‌ها و روابط اقتصادی به منظور افزایش هزینه جنگ، نزاع و درگیری بین‌کشورها و تقویت منافع متقابل حاصل از همکاری‌ها با ایجاد روابط سیاسی دوجانبه و پایدار و ۳- روش‌های بهبود شرایط سیاسی و محیط اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی را شامل می‌شود. این عناصر دیپلماسی تجاری (شامل سازمان‌های چندملیتی مانند سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و ...) نیز نامیده می‌شود که در مذاکرات چندجانبه حائز اهمیت است (ون برژیک، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۹).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران و جهت‌گیری نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران

تحریم‌های بین‌المللی بویژه نوع امریکایی آن یکی از جدی‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی در برهه زمانی پس از انقلاب اسلامی بوده است. این تحریم‌ها که در انواع مختلف یکجانبه و چندجانبه، اولیه و ثانویه، اقتصادی و غیراقتصادی، کشور ایران را هدف قرار داده است، به بهانه‌های مختلف از جمله حمایت ایران از تروریسم، نقض حقوق بشر، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و اعمال فشار برای لغو فعالیت‌های هسته‌ای، اعمال شده‌اند. از مهم‌ترین نمونه‌های این نوع تحریم‌ها می‌توان به تحریم کشتیرانی، تحریم نفت و گاز، تحریم هسته‌ای و تسلیحاتی، تحریم بانکی، تحریم رسانه‌ای، تحریم اشخاص حقیقی و... اشاره نمود.

در دهه ۱۳۶۰ تحریم‌های آمریکا علیه ایران عمدتاً از نوع متمرکز تجاری بود. از اواسط دهه ۱۳۷۰ (میان دهه ۱۹۹۰) این تحریم‌ها شدت یافتند. در همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی

ایران و تنها یک ماه پس از شروع تحریم‌های اقتصادی به دستور کارتر، تمام اموال و دارایی‌های ایران که در مؤسسات مالی و بانک‌های آمریکایی نگهداری می‌شدند، توسط دولت آمریکا مصادره گردید و حساب‌های بانکی ایران مسدود گردیدند (Haidar, 2017:324). در دوران ریاست جمهوری ریگان، برای مؤسسات و شرکت‌های آمریکایی که قصد سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز ایران داشتند، مجازات‌های سنگینی وضع شد، تصویب و پرداخت هرگونه وام و سرمایه‌ای توسط مؤسسات مالی جهانی به ایران ممنوع اعلام شد و از انتقال فناوری‌های دو منظوره پیشرفته به ایران در سطح جهانی جلوگیری شد (Jacobson, 2008:72). در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون طرح «داماتوآ» به تصویب و اجرا درآمد و تحریم اقتصادی ایران وارد مرحله نوینی شد (Lowe, 1997). از آن زمان به بعد، علاوه بر شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی که از هرگونه فعالیت مالی و اقتصادی همچون انتقال اعتبارات و مبادله ارز، خرید نفت، ورود کالا و خدمات ایرانی به آمریکا و سرمایه‌گذاری در توسعه و بازسازی صنایع نفتی ایران محروم شده بودند، شرکت‌های غیرآمریکایی که بیش از چهل میلیون دلار در سال در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری میکردند نیز، مشمول تحریم‌های سنگین آمریکا قرار گرفتند (Laub, 2015:95). در سال ۱۹۹۵، تحریم‌های اولیه بانکی آمریکا علیه ایران شروع شد و کلینتون با صدور فرمانی اجرایی هرگونه تجارت آمریکا اعم از تجارت نفتی را با ایران تحریم کرد و تجارت این دو کشور که پس از جنگ ایران و عراق شروع به رشد کرده بود، به صورت کلی پایان یافت. بدین ترتیب نه تنها ارائه خدمات بانکی از سوی بانک‌های آمریکایی به ایران ممنوع اعلام شد، بلکه امکان گشایش حساب و روابط کارگزاری نیز لغو گردید (Haidar, 2017: 332; Laub, 2015:67). در اواخر دهه ۱۳۸۰ زمانی که پرونده هسته‌ای ایران مطرح شد، تحریم‌ها به تحریم‌های پیچیده بانکی تغییر یافت. در ابتدا به جای بانک‌های ایرانی، بانک‌های خارجی کارگزار ایران مورد هدف قرار گرفته بودند. با این حال در انتهای سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی ایران و وجوه نفتی ایران هدف این تحریم‌ها قرار گرفتند (Khabbazan & Farzanegan, 2016:218).

جدول ۱. تحریم های اولیه بانکی علیه ایران

ردیف	قانون اجرایی	سال	موضوع تحریم
۱	دستور ۱۲۹۵۹	۱۹۹۵	تحریم ارتباطات بانکی مستقیم و دسترسی به دلار
۲	دستور ۱۳۲۲۴	۲۰۰۱	انسداد دارایی بانک هایی که حامی تروریسم خوانده شدند
۳	دستور ۱۳۳۸۲	۲۰۰۵	انسداد دارایی بانک هایی که به عنوان درگیر در اشاعه تسهیلات کشتار جمعی شناخته شدند
۴	قانون Patriot	۲۰۱۱	ممنوعیت حساب های واسط و قطع دسترسی به دلار برای بانک های ایران
۵	دستور ۱۳۵۹۹	۲۰۱۲	انسداد دارایی بانک مرکزی و تمام بانک های ایران

(محبی و همکاران، ۱۴۷: ۱۴۰۰-۱۴۵)

تشدید فشارها از طرف غرب بویژه ایالات متحده آمریکا باعث شد تا جهت گیری سیاست خارجی ایران در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی متوجه نگاه به شرق باشد. با این حال نگاه به شرق به عنوان یک سیاست در دوره های بعد و در دولت های هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد با شدت و ضعف ادامه داشته است. در دوران بعد از جنگ، ایران تعامل و همکاری گسترده ای را با دنیای خارج به منظور بازسازی کشور و رفع خرابی های ناشی از آن آغاز نمود. در این راستا و با توجه به محدودیت ها و مشکلات به وجود آمده در روابط با غرب و ضرورت های بازسازی اقتصادی کشور، برقراری نوعی همکاری میان هند، روسیه، چین و ایران که در مواردی از آن به عنوان اتحاد استراتژیک نام برده می شود، مورد توجه قرار گرفت. رویکرد اتحاد استراتژیک در این دوره ظاهراً مبتنی بر این فرض بود که ایران در دوران پس از انقلاب نیاز به متحدانی دارد تا بتواند با سیاست های خصمانه آمریکا مقابله نماید. از زمان انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران، که سیاست خارجی ایران به شدت تحت تأثیر مسئله هسته ای ایران بوده، سیاست نگاه به شرق جایگاه بالاتری پیدا کرد. در این دوره فرض اصلی سیاستگذاران بر این بوده که حل معضلات اساسی سیاست خارجی ایران به ویژه مسئله هسته ای نه در پایتخت های اروپایی بلکه در شرق قرار دارد. در رویکرد دولت جدید برخی از سیاست های دولت خاتمی، به ویژه محوریت در روابط با غرب، به خصوص رابطه با اروپا مورد تجدید نظر قرار گرفت و گرایش جدیدی در سیاست خارجی ایران تحت عنوان سیاست نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفت (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۱). تأکید بر سیاست

نگاه به شرق در شرایطی صورت پذیرفته است که تلاش‌ها برای حل اختلافات با غرب تاکنون نتیجه مطلوبی در بر نداشته است. بر اساس دیدگاه دولت نهم در سیاست نگاه به شرق، باید توجه ویژه‌ای به روسیه و چین داشت؛ زیرا این دو کشور می‌توانند نقش مهمی در مبادلات منطقه‌ای، ایجاد موازنه بین‌المللی و تعدیل نظام تک قطبی داشته باشند. در واقع اگر ایران، چین و روسیه بتوانند به رهیافت مشترکی در زمینه امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای دست یابند، می‌توان شاهد برقراری همکاری مؤثر و سازنده‌ای بود، اما برای تحقق چنین هدفی، ایران باید علاوه بر در نظر گرفتن محدودیت‌های چین و روسیه در صحنه بین‌المللی، مقامات این دو کشور را در کسب منافع اقتصادی و استراتژیک در همکاری با ایران تشویق نماید، که یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، سازمان‌های منطقه‌ای برجسته‌ای همچون سازمان همکاری‌های شانگهای است که می‌تواند در نظام‌مند کردن همکاری‌های چندجانبه کارآمد باشد. البته در سیاست جدید به جای تعبیر گرایش به شرق بیشتر از مفهوم «گسترش ظرفیت» در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. اما برخی معتقدند که این گسترش ظرفیت حاصل فشارهای بین‌المللی و همزمان با ناکامی تیم سیاست خارجی در برقراری رابطه‌ای معتدل و مبتنی بر اعتماد متقابل با غرب است. به عبارت دیگر، در این نگاه، ناخشنودی دولت نهم از روند تعامل با غرب باعث شده تا نوعی دگرگونی ظرفیت صورت گیرد. بنابراین در چارچوب سیاست نگاه به شرق، شاهد گسترش روابط ایران با کشورهای آسیایی هستیم؛ زیرا پتانسیل‌های بالای اقتصادی، به ویژه در زمینه نفت و گاز، مسئله طرح خط لوله گاز از ایران به کشورهای آسیایی، از جمله هند و پاکستان و امکان امتداد آن به چین در روابط با آنها برجسته می‌باشد (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۳). ایران در تلاش است تا در تأمین انرژی مورد نیاز کشورهای آسیایی مؤثر و مورد اعتماد باشد، اما با این حال با توجه به سیاست‌های مقابله‌جویانه آمریکا در قبال ایران، نباید تأثیر و نفوذ سیاست‌های آمریکا در تقابل و ممانعت با پیشبرد سیاست نگاه به شرق ایران کم اهمیت جلوه داد و یا آن را نادیده گرفت (سقفی عامری، ۱۳۸۷: ۵).

روند پژوهی دیپلماسی اقتصادی ایران و روسیه قبل از سال ۲۰۱۲

روابط ایران و روسیه به واسطه شرایط ژئوپلیتیکی و وجود اشتراکات فرهنگی و سیاسی، قدمتی تاریخی دارد. در دو قرن گذشته این رابطه ناآرام، مشوش و عمدتاً به ضرر ایران بوده است. در واقع، تهدید عمده برای امنیت ملی ایران ناشی از سیاست توسعه طلبانه تحت حکومت تزارها و دبیرکل‌های حزب کمونیست بود. با این وجود، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ایران خواهان فروپاشی شوروی نبود چرا که جمهوری اسلامی ایران و شوروی هر دو

رویکرد ضد آمریکایی داشتند و تضعیف شوروی به معنی کاهش چالش های سیاست خارجی واشنگتن و افزایش فشارها بر ایران بود. نامه امام (ره) به گورباچف نیز در همین راستا تحلیل می شود. در حال حاضر نیز فرسایش قدرت روسیه به زیان ایران در سطح بین المللی خواهد بود و تهران همواره به این موضوع واقف بوده است. بعد از دهه ۹۰ برای اولین بار بعد از نزدیک به دو قرن بود، که تهدید بالقوه از ناحیه این کشور از بین رفت (Tarock, 1997: 207).

روابط تجاری

مناسبات تجاری دو کشور ایران و روسیه قبل از سال ۲۰۰۰ محدود بود. به عنوان مثال، حجم تجارت بین دو کشور در سال های دهه ۱۹۹۰ حدود ۴۰۰ الی ۴۵۰ میلیون دلار بود، در سال ۲۰۰۰ به ۷۰۰ میلیون دلار رسید (چریف، ۱۴۰۰). در این سال ها، مناسبات بیشتر جنبه سیاسی، امنیتی و نظامی بود. چنان که ایران در سال ۲۰۰۱، سومین مشتری بزرگ صنعت نظامی روسیه قلمداد می شد (چریف، ۱۴۰۰). در فاصله سال های ۲۰۰۳ الی سال ۲۰۱۳ م، مبادلات تجاری بین دو کشور رشد کرد. کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی ایران و روسیه که در سال ۱۹۹۸ تشکیل شده بود، فعال تر شد. حجم مبادلات تجاری دو طرف در سال ۲۰۰۳ به ۱,۳ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۵، روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد. صادرات روسیه در این سال ها به ایران، ۲۰ برابر واردات این کشور از ایران بود. در این سال کالاهای انرژی (۲۷ درصد) و محصولات کارخانه های ذوب آهن، ماشین سازی و صنایع شیمیایی از دیگر اقلام صادراتی روسیه را تشکیل می دادند (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰: ۴۸). حجم مبادلات تجاری تهران-مسکو در سال ۲۰۰۶ به ۲,۱ میلیارد دلار و با رقم ۳,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به نقطه اوج رسید (Taldybayeva, 2018: 1).

در فاصله سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳، بیشترین میزان واردات از روسیه در سال ۲۰۱۲ با رقمی ۱,۶۳۱,۱۰۷,۳۶۳ دلار و کمترین میزان مربوط به سال ۲۰۱۰ با رقمی معادل ۹۰۰,۶۰۲,۴۳۲ دلار بوده است. در این سال ها روند صادرات به روسیه همین نوسان محدود را داشته است. کمترین میزان در سال ۲۰۰۳ با رقمی معادل ۹۴,۶۵۶,۰۱۶ دلار و بیشترین میزان صادرات در سال ۲۰۱۲ به رقم ۵۰۱,۳۷۳,۹۷۱ دلار بوده است (جهانبخش و حق پناه، ۱۳۹۴: ۱۹۲).

همکاری ها در حوزه انرژی

موافقتنامه حمل نقل هوایی بین ایران و روسیه نیز، به منظور تاسیس و بهره برداری از سرویس های هوایی منظم بین سرزمین های خود و ماوراء این سرزمین ها، که در سال ۱۹۹۹ تنظیم و به امضاء رسیده بود، سرانجام در ۲۰۱۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون

موافقتنامه مذکور، مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و هیجده ماده و یک پیوست و پروتکل الحاقی است (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۴۰۱). در سال ۲۰۰۵ شرکت روسی «تات نفت» با بنیاد مستضعفان در منطقه آزاد کیش، شرکت مشترکی ثبت کرد. یک سال قبل از این، همین شرکت در کیش یک شرکت ایرانی - روسی تاسیس کرده بود که قرارداد تحقیقات زلزله خیزی محل استخراج «موند» را دریافت و تجهیزات فن آوری را تامین نموده بود. علاوه بر این، شرکت روسی «اوک اویل» ۲۵ درصد از سهام پروژه، اکتشاف «اناران» را از شرکت نروژی «نورسک هیدرو» خرید (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱).

پروژه های متعدد دیگر در حوزه نفت، گاز و انرژی در همین سال ها با همکاری شرکت های مشترک و یا روسی اجرایی شدند. همچنین قراردادهای مختلفی بین طرفین به امضاء رسید. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۵، قرارداد همکاری در زمینه تبادل اطلاعات اقتصادی بین دو کشور و قراردادهای دیگری در حوزه توریسم، تشویق سرمایه داری و غیره امضاء شد. در توافقنامه انرژی در سال ۲۰۰۸ نیز، دو کشور بر تشکیل شرکت مشترک ایران و روسیه تاکید کردند. همچنین توسعه فازهای پارس جنوبی، همکاری در زمینه انتقال نفت خام دریای خزر به دریای عمان «خط لوله نکا- جاسک»، ساخت پالایشگاه در شمال کشور بررسی و اجرای میدان آزادگان و غیره مورد تاکید قرار گرفت (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۲).

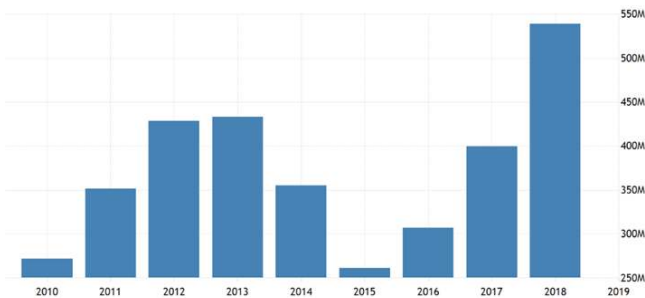
گام مهم دیگر در راستای همکاری ها در حوزه انرژی، به امضای سند «نقشه راه» در یک چشم انداز سه ساله برمی گردد که در ۲۰۱۰ (۲۳ تیرماه ۱۳۸۹) با هدف همکاری در زمینه تبادل دانش فنی و انتقال فناوری در بخش های نفت و گاز و پتروشیمی به امضای وزرای نفت و انرژی ایران و روسیه رسید (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰: ۵۴). پروژه های مشترکی نیز در حوزه حمل و نقل از جمله حمل و نقل شمال- جنوب مورد توجه قرار گرفت که زمینه را برای انتقال کالا از خاک ایران و روسیه به آسیای جنوبی و جنوب شرقی هموار می ساخت.

نگاهی به آمارهای بالا پیرامون حجم مبادلات تجاری دو کشور و همکاری های دیگر در حوزه های انرژی و غیره نشان می دهد، به رغم غیبت دیپلماسی اقتصادی در گفتمان سیاسی دولت های خاتمی و احمدی نژاد، اما روند همکاری های اقتصادی با وجود موانع تحریم ها، به شکل تدریجی رشد کرده است.

دیپلماسی اقتصادی در عمل

بر اساس داده های منتشر شده توسط کمیسیون اقتصادی اورآسیا^۱، حجم تجارت بین ایران و روسیه در سال ۲۰۲۰ حدود ۲,۲۲ میلیارد دلار بوده که شامل ۱,۴۲ میلیارد دلار کالاهای صادر شده از روسیه به ایران بوده است. در مقایسه با سال ۲۰۱۹، تجارت بین دو کشور در سال گذشته ۳۹,۸ درصد رشد داشته است. گردش تجاری بین روسیه و ایران در شش ماه اول سال ۲۰۲۱ به طور قابل توجهی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. در طول این مدت، تجارت ۱۵ درصد، صادرات ۱۶ درصد و واردات روسیه از ایران تا ۱۴ درصد افزایش داشت (مرکز خدمات فولاد ایران، ۱۴۰۰).

نمودار پایین، افزایش حجم صادرات ایران به روسیه را جز در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ نشان می دهد. حجم روند مبادلات تجاری از سال ۲۰۱۰ با روسیه، همواره رو به رشدی را داشته است. جز در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، میزان صادرات ایران به روسیه معمولاً بالای ۳۵۰ میلیون دلار بوده است.



حجم صادرات ایران با روسیه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ (منبع: الویژننس، ۱۲ بهمن ۱۳۹۸)

نمودار فوق نشان می دهد حجم روند مبادلات تجاری از سال ۲۰۱۰ با روسیه، همواره رو به بهبود و گسترش بوده است. جز در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، میزان صادرات ایران به روسیه

^۱ EEC

معمولا بالای ۳۵۰ میلیون دلار بوده است. چنانچه در سال ۲۰۱۷، ایران چهار میلیون دلار کالا به این کشور صادر کرده است.

همکاری‌های دیگر بین مسکو-تهران

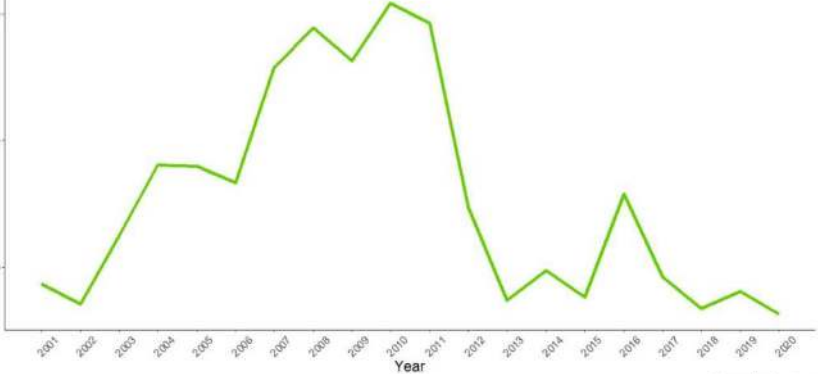
یکی دیگر از نشانه‌های گسترش روابط دو کشور به جز سال ۲۰۱۵، امضاء نقشه راه توسعه روابط ایران و روسیه در افق همکاری ۴۰ میلیارد دلاری بود. این نقشه راه، پس از روزها مذاکرات فشرده هیات ایرانی به سرپرستی محمود واعظی و وزیر ارتباطات و فناوری ایران با الکساندر نرواک وزیر انرژی روسیه در مسکو (آبان ۱۳۹۴) به امضاء رسید. علاوه بر این، در این سفر چندین سند همکاری در عرصه‌های مختلف از جمله در حوزه انرژی، دریایی و بانکی به امضاء مقامات دو کشور رسید (ایرنا، ۱۳۹۴).

بر اساس این نقشه راه، با راهبرد اتکا به یکدیگر برای تامین نیازهای بازار داخلی، طرفین متعهد به استفاده از مزیت‌ها و تولیدات یکدیگر باشند. یکی از دستاوردهای مثبت این نقشه راه و توافقات صورت گرفته، آمادگی بانک مرکزی روسیه برای همکاری بانکی با ایران بود. همچنین می‌توان به برنامه پیشنهادی روسیه برای سرمایه‌گذاری و تجارت به ایران تا ۴۰ میلیارد دلار، ایجاد یک خط اعتباری پنج میلیارد دلاری از طرف روسیه یا خط اعتباری ۲ میلیارد دلاری «ونوش اکونوم بانک» به بانک مرکزی ایران و غیره اشاره کرد (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹). همچنین، موافقتنامه بین دولت‌های ساحلی دریای خزر در زمینه حمل و نقل، در ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ (مرداد ماه ۱۳۹۷) در شهر آکتاتو به امضاء ایران و دولت‌های ساحل خزر از جمله روسیه رسید. مواد این موافقتنامه بر اهمیت همکاری میان دولت‌های مذکور در حوزه حمل و نقل برای توسعه تجاری-اقتصادی و غیره تاکید داشت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۴۰۱). این موافقتنامه در ۲۰۲۰ (۱۳۹۹/۹/۱۲) به تصویب مجلس رسید.

الگوی دیپلماسی اقتصادی ایران و روسیه در دوره ریاست جمهوری روحانی

اگرچه بین اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸، کل تجارت میان دو کشور ایران و روسیه به شدت افزایش یافت، اما به تدریج از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ کاهش یافت و از آن زمان تاکنون به سختی توانسته است بهبود یابد. به همین ترتیب، تراز تجاری روسیه با ایران نیز به روشی مشابه تغییر کرده است و بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ به شدت افزایش یافته است، در حالی که از سال ۲۰۱۱ به بعد کاهش یافته است (نمودار ۱ را در زیر ببینید). از آنجایی که واردات روسیه از ایران کم است و به سختی تغییر می‌کند (نمودار ۲ زیر را ببینید)، کاهش تراز تجاری روسیه

موازنه تجاری (به میلیون دلار آمریکا)



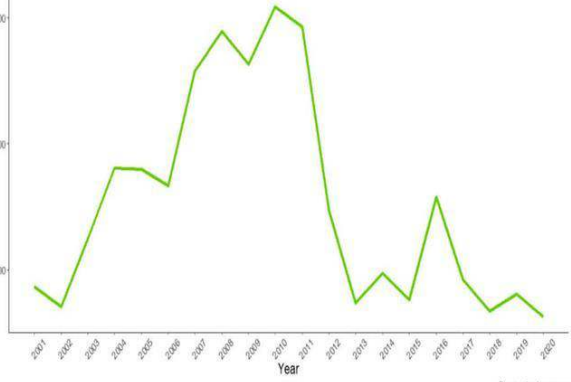
۸

لزود
بیشته
زیرا

Source: trademap.org

Russia's trade balance with Iran

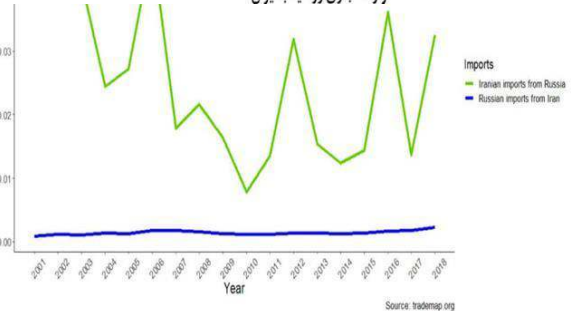
موازنه تجاری (به میلیون دلار آمریکا)



Source: trademap.org

موازنه تجاری روسیه با ایران

درصد واردات



Source: trademap.org

درصد کل واردات از روسیه و ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۸)

با توجه به دلایلی که در پس روابط بی ثبات آنها وجود دارد، به نظر می رسد که این نتیجه تحریم‌هایی است که جامعه بین‌المللی علیه برنامه هسته ای ایران اعمال کرده است. به ویژه، در سال ۲۰۱۰، سازمان ملل صادرات عمده تسلیحات متعارف به ایران را تحریم کرد. از آنجایی که صادرات روسیه به این کشور عمدتاً از کالاهای نظامی تشکیل شده است، منطقی است که از آن زمان این صادرات کاهش یافته است. علاوه بر این، آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های اقتصادی علیه بخش نفت و بانکی ایران و هر طرف ثالثی را اعمال کردند. سپس، در سال ۲۰۱۵، تصویب توافق هسته‌ای به تحریم‌های قبلی علیه ایران پایان داد، هرچند که تحریم تسلیحات سنگین را برجای گذاشت (SIPRI, 2021).

به‌رغم عدم پیشرفت اقتصادی چشمگیر، روابط رو به رشد روسیه و ایران از طریق افزایش همکاری آنها در منطقه اورآسیا ادامه پیدا کرد. به عنوان کشورهای تجدیدنظرطلب که رویکردی آسیایی در پیش گرفته اند، این دو کشور به بخشی از توافقنامه‌ها و ابتکارات مشترک منطقه ای مانند کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اورآسیا تبدیل شده‌اند (Miguel, 2022:5).

روابط ژئواکونومیکی: اهمیت منابع

بعد دیگر روابط اقتصادی ایران و روسیه و به عبارت دقیق‌تر الگوی روابط دو کشور به منابع برمی گردد. علیرغم همکاری اقتصادی محدود، روسیه و ایران دارای منافع مشترک ژئواکونومیکی هستند، زیرا منابع آنها بخش مهمی از اقتصاد آنها است. در مورد روسیه، این کشور دارای بزرگترین ذخایر گاز طبیعی و دومین تولیدکننده جهان پس از ایالات متحده است (PIEDRAS, 2017). علاوه بر این، این کشور جایگاه هشتم را در ذخایر نفتی دارد و اولین تولیدکننده نفت خام است. به همین منوال، ایران دومین و سومین دارنده ذخایر بزرگ گاز و نفت است. در سال ۲۰۱۹، علیرغم محدودیت‌های اعمال شده مربوط به ۲۰۱۷ به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور، عمده صادرات ایران، تا حد زیادی نفت خام بود (EIA, 2021).

روسیه و ایران به‌رغم اینکه در میان شرکای تجاری یکدیگر نیستند، اهمیت همکاری در این منطقه را درک کرده‌اند. ابتدا شرکت ملی نفت ایران در سال ۲۰۱۷ قراردادهای مختلفی را با شرکت‌های روسی مانند روس‌نفت^۱ و گازپروم برای عملیات مشترک در میدادن نفتی

^۱ -Rosfnet

ایران امضا کرد. بر اساس این قراردادها، شرکت های ایرانی تجهیزات و فناوری روسی را در ازای قراردادهای نفتی خریداری می کنند تا روسیه بتواند آن را به کشورهای ثالث بفروشد. برآورد ارزش این قراردادها از ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. این معاملات بخشی از استراتژی روسیه برای افزایش نقش خود در خاورمیانه، تبدیل شدن به یک واسطه بین ایالات متحده و ایران و تضمین برتری روسیه به عنوان یک هژمون در تامین انرژی اتحادیه اروپا است. علاوه بر این، روسیه با توجه به انزوای بین المللی ایران، سرمایه گذاری خارجی مورد نیاز را در اختیار بخش انرژی این کشور قرار می دهد. و دوم اینکه دریای خزر یکی از مهم ترین بسترهای همکاری روسیه و ایران در بخش انرژی است. برای شروع، این بزرگترین دریاچه جهان است که بیش از ۴۰٪ از کل آب های داخلی جهان را شامل می شود (SZALAY, 2017).

علاوه بر این، روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از طریق دریای خزر هم مرز هستند که هم از نظر ژئوپلیتیک و هم از نظر ژئواکونومیک بسیار مهم است. از یک طرف این امر کشورهای بدون مرز زمینی مانند ایران و روسیه را به هم متصل می کند. به همین ترتیب، به عنوان حائل بین کشورهایی عمل می کند که در سیاست و ایدئولوژی متفاوت هستند. از سوی دیگر، خزر از نظر نفت و گاز و همچنین منابع دیگر بسیار غنی است. در واقع، برخی از مهم ترین خطوط لوله نفت و گاز از منطقه خزر به روسیه، اروپا و ترکیه می رود. به دلیل همه موارد اخیر، وضعیت این دریا همواره بین پنج کشور همسایه آن مورد مناقشه بوده است. آنها در سال ۲۰۱۸ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را امضا کردند و به دریا وضعیت حقوقی ویژه ای دادند و آن را به آب های داخلی، آب های سرزمینی، مناطق شیلاتی و فضای مشترک دریایی تقسیم کردند. با این وجود، عدم تصویب ایران اجازه لازم الاجرا شدن این کنوانسیون را نداده است. با اینحال هنوز مناطق مورد مناقشه در دریا وجود دارد. زیرا با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، سهم ایران از دریا به شدت کاهش یافت و انتقاد عمومی را در داخل کشور به دنبال داشت. از این نظر، هر گونه کشف جدید منابع ممکن است تنش هایی را بین پنج کشور در مورد اینکه چه کسی حق بهره برداری از آنها را دارد، ایجاد کند. گذشته از همه اینها، ایران میدان گازی چالوس را در دریای خزر کشف کرد که دهمین ذخایر بزرگ گازی جهان تخمین زده شده است. در این زمینه، ایران و روسیه در حال امضای قرارداد همکاری ۲۰ ساله هستند که منافع حاصل از این حوزه را تقسیم می کند. به طور دقیق تر، تهران و مسکو به مدت ۲۰ سال بحث کرده اند که گازپروم و ترانس نفت روسیه ۴۰

درصد از تولید را از میدان نفتی، CNPC و CNOOC چین ۲۸ درصد و کپکو ایران ۲۵ درصد از تولید را از میدان نفتی تامین می‌کنند. در ازای آن، ایران خدمات حمل و نقل از ترانس نفت، تامین مالی از CNPP و زیرساخت‌ها و مهندسی از CNOOC و همچنین حمایت بین‌المللی بیشتری از روسیه دریافت خواهد کرد. روسیه از طریق این قرارداد بازار اروپایی خود را تضمین خواهد کرد (Miguel, 2022:8). بنابراین در مجموع می‌توان گفت الگوی دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال روسیه در بخش اقتصادی نشانگر ضعف در این حوزه و کاهش مبادلات اقتصادی است ولی از سوی دیگر روابط ژئواکونومیکی قوی را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری

روسیه همواره یکی از متحدان اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران در فرای انقلاب اسلامی بوده است. این امر را می‌توان در اظهارات مقامات جمهوری اسلامی ایران و گستردگی روابط دو کشور به‌رغم داشتن نوسانات مختلف مشاهده کرد. جهت‌گیری چنین رویکردی در سیاست خارجی ایران ناشی از یک رویکرد کلان به روسیه و به عبارت دقیق‌تر در متن «نگاه به شرق» معنا پیدا می‌کند. در حقیقت با پیروزی انقلاب اسلامی و در پیش گرفتن سیاست خارجی تغییر رژیم یا تغییر رفتار آن توسط دولت‌های مختلف ایالات متحده آمریکا، نگاه به شرق در ذهن و رفتار سیاستگذاران ایرانی نیز تقویت شد. این جهت‌گیری دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی و ... بوده است. اما ابزار تحریم علیه ایران توسط غرب، رویکرد اقتصادی را نیز در سیاست خارجی ایران برجسته کرده است. اینکه خود روسیه نیز در معرض تهدیدات ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش قرار گرفته نیز باعث شد تا یک جهت‌گیری متقابل اقتصادی در روابط ایران و روسیه شکل گرفته و دو طرف به سما‌همکاری‌های بیشتر حرکت کنند. با نگاهی به گذشته روشن می‌شود که در دهه ۱۹۹۰ مناسبات دو کشور جنبه اقتصادی محدودی داشت. بیشتر همکاری‌ها سیاسی، امنیتی و نظامی (فروش تسلیحات و کمک به فعالیت‌های هسته‌ای) بود. همین رویه کمابیش در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد ادامه داشت. اگرچه لایه اقتصادی روابط، بتدریج از سال‌های ۲۰۰۰ رشد داشت، اما لایه‌های دیگر همکاری‌ها، همواره سویه اقتصادی روابط طرفین را تحت الشعاع قرار داده است. از سوی دیگر گفتمان دولت خاتمی (تاکید بر توسعه سیاسی و جامعه مدنی در داخل و تنش‌زدایی در خارج) یا دولت احمدی‌نژاد (گفتمان پوپولیستی اصول‌گرایی عدالت‌محور) کمتر به دیپلماسی اقتصادی و اهمیت آن توجه نشان دادند. بیشتر از دوره ریاست جمهوری حسن روحانی است که دیپلماسی اقتصادی در گفتمان اعتدال‌گرای دولت یازدهم و دوازدهم

برجسته شد و در اسناد رسمی و گفتار مقامات این دولت بازتاب یافت. این امر تحت عنوان نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعریف می شود و استدلال اصلی آن این است که راه حل مشکلات کنونی در سیاست خارجی ایران نه در پایتخت های اروپایی بلکه در شرق بویژه روسیه و سپس چین (و به میزان کمتری هند) رقم می خورد. بنابراین الگوی حاکم بر جهت گیری سیاست خارجی ایران بویژه در ابعاد اقتصادی مبتنی بر تحریم های غرب و بویژه آمریکا بوده است. با اینحال مطالعه داده های روابط اقتصادی نشان می دهد که روابط دو کشور در سطحی از ائتلاف اقتصادی در مقابل آمریکا نبوده و هیچ کدام جزء شرکای اصلی همدیگر محسوب نمی شوند. با این حال درهم تنیدگی منافع اقتصادی و سیاسی دو کشور بخصوص در دریای خزر و داشتن مرزهای طولانی با همدیگر موجب تقویت روابط ژئواکونومیکی شده که تجلی آن را در قراردادهای دوجانبه بر سر منابع انرژی و نیز خریدهای تسلیحاتی و پروژه های بزرگ می توان شاهد بود.

منابع و مأخذ:

- اخوان کاظمی، مسعود، زارع، سارا، صابر قیاسی (۱۳۹۸)، «تأثیر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر روابط اقتصادی دوجانبه ایران و روسیه»، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۹، شماره ۳، شماره پیاپی.
- جاین، نیکلاس، ولکانک، استفان (۱۳۸۸)، **دیپلماسی اقتصادی نوین: تصمیم‌گیری و مذاکره در روابط اقتصادی بین‌المللی**، ترجمه محمد حسن شیخ الاسلامی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- پلینو، جک سی و روی آلتون (۱۳۷۹)، **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه و تحقیق حسن پستنا، تهران: چاپ دوم، انتشارات فرهنگ معاصر.
- دیوسالار، مجید (۱۳۸۷)، «رویکرد نگاه به شرق در روابط خارجی ایران»، **هفته نامه نگاه حوزه**، شماره ۲۳۷.
- کرمی، پور داود (۱۴۰۰)، راهبرد دیپلماسی اقتصادی رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس، **فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۵۵۱-۵۷۹.
- حاجیلو، محمدحسین (۱۳۹۶)، «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۳۸، صفحه ۸۸-۶۹.
- دیوسالار، مجید، نگاه به شرق در روابط خارجی ایران، هفته نامه **نگاه حوزه**، شماره ۱۳۸۷، ۲۳۷.
- سفینه عامری، ناصر (۱۳۸۷)، در جستجوی افق‌های جدید در سیاست خارجی ایران: سیاست نگاه به شرق، **معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی**، شماره ۵.
- کولایی، الهه، اکاوایی، بیمن (۱۴۰۰)، «تأثیر عوامل بین‌المللی بر روابط اقتصاد ایران و روسیه»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره دهم، شماره سوم، پیاپی ۳۷، ۸۴-۶۳.
- مچی هره دشت، بهنام، کاظمی، سید جاوش، جهانگیریا، حسین، غلامی جگرکسی، رضا (۱۴۰۰)، «مقایسه با تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران با ابزار هشدار به موقع در ماندگی بانک‌ها»، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صفحه ۱۶۶-۱۴۳.
- Haidar, J. I. (2017). Sanctions and export deflection: evidence from Iran. **Economic Policy**, 32(90), 319-355.
- Jacobson, M. (2008). Sanctions against Iran: A promising struggle. **Washington Quarterly**, 31(3), 69-88
- Khabbazan, M. M., & Farzanegan, M. R. (2016). Household welfare in Iran under banking sanctions: from open economy toward autarchy. In *Economic Welfare and Inequality in Iran* (pp. 213-232): Springer.
- Lowe, V. (1997). US Extraterritorial Jurisdiction: The Helms-Burton and D'Amato Acts. **International & Comparative Law Quarterly**, 46(2), 378-390.
- Pereira de Sousa, Jaime(2019). **Economic Diplomacy: A Critical Analysis**. Instituto Universitario de Lisbon.
- Van Bergeijk, Peter A.G. and Others(2011). **Economic Diplomacy: Economic and Political Perspective**, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers.
- Chatterjee, Charles(2020), **Economic Diplomacy and Foreign Policy-Making**, London, University Of London.
- Okano-Heijmans, Maaile (2013), **Economic Diplomacy: Japan and the Balance Of National Interests**, Leiden and Boston, Martinus Nijhoff Publishers.
- Khajepour, Bijan(2019), **Impact Of Sanctions On The Iranian Economy. In : One Year After the Re-impition Of Sanctions**, Edit : Achim Vogt and David Jalilvand. Peace and Security. Friedrich-Ebert- Stiftung.
- Tarock, Adam(1997). Iran and Russia In Strategic alliance. **Third World Quarterly**. Vol.18, No.2
- Saner, Raymond and Lichia Yiu(2001). **International Economic Diplomacy: Mutations in Post-Modern Times**. Netherland. Netherlands institute Of International Relations Clingendael
- Rawi ABDELAL, Aurélie BROS (2020), "Sanctions and the End of Trans-Atlanticism. Iran, Russia, and the Unintended Division of the West", Notes de l'Ifri, 2020. Available in: <https://www.ifri.org/en/publications/notes-de-lifri/sanctions-and-end-trans-atlanticism-iran-russia-and-unintended-division>
- منابع اینترنتی**
- حون برژکته، پتر (۱۳۹۴)، کاوش‌نو در دیپلماسی اقتصادی، ترجمه علی عرب صالحی نصر آبادی، **مجله اقتصادی**، شماره ۳ و ۴، صص ۶۳-۸۸ در دسترس است در: <https://ejip.ir/article-1-756-fa.pdf>
- گزارش بازار فولاد در سال ۱۴۰۰:

Laub, Z. (2015). International Sanctions on Iran.

<https://www.cfr.org/background/international-sanctions-iran>

-TALDYBAYEVA, Dinara, "Current State of Iran-Russia Economic Relations", Eurasian Research Institute, Kazakhstan, No. 154, 2018, available at <https://eurasian-research.org/wp-content/uploads/2020/08/Weekly-e-bulletin-06.03.2018-12.03.2018-No-154.pdf>

-SIPRI, "UN arms embargo on Iran", n.d., Last updated Apr. 7, 2021, Available at https://www.sipri.org/databases/embargoes/un_arms_embargoes/iran. [Accessed 9 December 2021].

-PIEDRAS, Beatriz, "Geostrategia energética de Rusia en Europa". Instituto Español de Estudios Estratégicos, 101, 2017, available at https://www.icee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2017/DIEEEO101-2017_Rusia_PiedraPiedras.pdf. [Accessed 4 January 2022].

-EIA, "Iran, Executive summary", n.d., last updated July 20, 2021, available at <https://www.eia.gov/international/analysis/country/IRN>. [Accessed 4 January 2022].

-SZALAY, Jessie, "Caspian Sea: Largest Inland Body of Water", Live Science, 2017, available at <https://www.livescience.com/57999-caspian-sea-facts.html>. [Accessed 7 January 2022].

<https://www.irsteel.com/fa/news/60757>

-جهانبخش، محمد تقی و حق پناه، جعفر (۱۳۹۴)، روابط سیاسی- اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در سایه تحریم‌های غربی درباره ی مناقشه اوکراین؛ فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره پست و دوم، صص ۱۸۱-۲۱۱. در دسترس است در:

http://pir.iaush.ac.ir/article_556120.html

-تحریم‌های آمریکا؛ خروج شرکت نفتی دولتی روسیه از ایران (۱۳۹۷)، عصر جهان، در دسترس است در:

<http://asrajahan.ir/print/news/255204>

-شرکت نفت "روسنفت" روسیه از ایران می‌رود (۱۳۹۷)، دیپلماسی ایرانی، در دسترس است در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1980630/>

-حجریف، یوسف (۱۴۰۰)، بزرگترین شریک روسیه در منطقه، ایران یادسی است، دیپلماسی ایرانی، در دسترس است در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2004078/>

-مالاژاده، زهره و فهیمه غیبی (۱۳۹۰)، مقایسه تحلیلی روابط ایران و روسیه در دوران آفتابان خاتمی و احمدی نژاد، مطالعات و روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، دوره ۴، شماره ۸۵، صص ۳۵-۶۲. در دسترس است در:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=220118>

-تکات مهم صادرات به روسیه چیست (۱۳۹۸)، الوبیزنس، در دسترس است در:

<https://alobiz.com/blog/Export-to-Russia>

-Taldybayeva, Dinara (2018). Current State Of Iran-Russia Economic Relations, Weekly analysis, Eurasian Research Institute, Kazakhstan.No.154. Available at: <https://www.eurasian-research.org/publication/current-state-of-iran-russia-economic-relations/>

-Hatzman,Henneth(2019).Iran sanctions.Congressional Reserch Service. Available at: www.Crs.gov.

-Jouny,Bassam(2017).Economic Diplomacy. The Economist. Available at : <http://www.industry.gov.lb/getattachment/PublicationsAndStudies/Economic-diplomacy-en.pdf?lang=en-US>